

نگاهش را شنیدم

دبستان دخترانه‌ی «نجمه محمدعلی پهلوان» مدرسه‌ای دولتی است که در استان خراسان جنوبی، شهرستان بجنورد، روستای محمدعلی پهلوان قرار دارد و خانم مرضیه فیروز جنگ مدیر آن است. مدرسه ۲۸۰ دانش‌آموز دارد و ۹ کلاس درس. جمعیت تقریبی هر کلاس ۳۰ نفر است. خانم آمنه هادی‌زاده آموزگار پایه‌ی اول است با ۲۹ دانش‌آموز.



آمنه هادی‌زاده
آموزگار، بجنورد

خاطره‌ی اول

انتظار چند ماهه به سر آمد. پایم به مدرسه رسید. نگرانی و اضطراب سراسر وجودم را گرفته بود، نگران بودم چگونه با وضعیت سخت کرونا و نبود وقت، به دانش‌آموزانم خواندن و نوشتن را یاد دهم. من معلم پایه‌ی اول بودم. چیدمان صندلی‌ها با فاصله‌ور و به تخته و جایگاه معلم بود. همه ماسک زده بودند. نمی‌توانستم چهره‌ی معصوم دانش‌آموزانم را ببینم و مثل قبل خبری از شیطنت‌ها و دست‌انداختن‌ها و خندیدن‌های بی‌مهابایشان نبود. کلاس ساکت بود و زمان اندک. آرام‌بودن کلاس و ندیدن لبخند دانش‌آموزانم دل‌م را می‌سوزاند، هر چند به اداره‌ی کلاس کمک می‌کردم.

ردیف اول، در گوشه‌ی میز، دختری با قامتی کوچک، با تعجب به من نگاه می‌کرد. از نگاه معصومش فهمیدم دوست دارد یاد بگیرد، ولی متوجه حرف‌های من نمی‌شود.

برقراری ارتباط با زهرا برای من سخت بود، اما هر روز انگیزه‌ی اینکه چگونه به این دانش‌آموز کمک کنم تا خواندن و نوشتن را یاد بگیرد، در من زیادتر می‌شد. با مدیر مدرسه صحبت کردم. فهمیدم زهرا مشکل شنوایی دارد و نمی‌تواند روان صحبت کند. بسیار نگران شدم. در جلسه‌ای با ولی دانش‌آموز، از مشکلات زهرا پرسیدم. پدرش از وضعیت او بسیار نگران بود.

گفت دو سال است زهرا زیر نظر مرکزی خاص تحت‌درمان است. در تماس با مدیر آن مرکز متوجه شدم، زهرا هم مشکل شنوایی دارد و هم از نظر هوش کلامی در سطح بسیار پایینی است و با این شرایط امسال را باید از آموزش پایه‌ی اول صرف‌نظر کند. این وضعیت مرا بسیار نگران کرد.

وقتی در کلاس شروع به تدریس می‌کردم، زهرا فقط نگاه می‌کرد و هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌داد. سواد پدر و مادر زهرا در حد پایه‌ی دوم ابتدایی بود و این موضوع کار را هم برای من و هم برای آن‌ها سخت می‌کرد. از مادر زهرا خواستم با من در ارتباط باشد. با تعطیلی مدرسه‌ها، نگرانی‌ام چند برابر شد. سعی کردم محتوایی را که به‌صورت مجازی ارائه می‌دهم، ابتدا برای اولیا فهم‌پذیر باشد تا با سواد کم هم بتوانند مفاهیم و آموزش را راحت‌تر به فرزندشان انتقال دهند.

بعد از چند جلسه تمرین، متوجه شدم دانش‌آموز کم‌کم ترکیبات را یاد گرفته است و می‌شناسد. این پیشرفت مرا امیدوار کرد و انگیزه‌ام را زیاد و زیادتر. به‌طور مداوم، با مادر زهرا در تماس بودم، راه و روش تدریس را بارها به او می‌گفتم. از حضور زهرا در سامانه‌ی شاد مطمئن می‌شدم. به مادر زهرا هم امیدواری می‌دادم تا امید نشود و از تلاش دست برندارد. روزها و ماه‌ها گذشت. زهرا در حال پیشرفت بود؛ هر چند یادگیری او با دانش‌آموزان دیگر بسیار تفاوت داشت.

در این سال تحصیلی کرونایی و مشکلاتی که در سامانه‌ی شاد بود، بالاخره با کمک مادر زهرا توانستم خواندن و نوشتن را به او یاد دهم.

خاطره‌ی دوم

تدریس در دوران کرونا تجربه‌ای جدید بود با مشکلاتی زیاد؛ آموزش در منطقه‌ی محروم، نبود امکانات، کم‌سواد بودن اولیا، در دسترس نبودن دانش‌آموز و تعطیلی مدرسه‌ها بسیار سخت بود و فشار روانی زیادی داشت. مریم و مینا دو دانش‌آموز مرزی (مرز بین آموزش‌پذیر و تربیت‌پذیر) بودند. سرپرستی آن‌ها را فقط مادرشان به عهده داشت و او نیز برای تهیه‌ی مایحتاج دو فرزندش مجبور بود از کله‌ی صبح تا غروب آفتاب کار کند. تعطیلی مدرسه‌ها، به‌علاوه‌ی خستگی زیاد مادر، نداشتن سواد و آشنانبودنش با فضای مجازی، عواملی بودند که منجر به عقب‌افتادن آموزش این دو کودک به‌مدت دو ماه شده بودند.



تجربه‌ی کار با دانش‌آموز کم‌شنوا

خیلی نگران بودم. به صورت حضوری مادر مریم و مینا را ملاقات کردم. در این دیدار متوجه شدم او نمی‌تواند از گوشی هوشمند استفاده کند. از او خواستم در ساعت‌های مشخصی، از کسی که به گوشی و فضای مجازی آشناست، کمک بخواهد تا او را راهنمایی کند و نحوه‌ی استفاده کردن از گوشی را به او یاد دهد. مادر مهربان در ساعت‌های تعیین شده با اشتیاق خود را به خانه‌ی همسایه می‌رساند تا آموزش‌های ارسالی مرا بیاموزد و به دخترانش انتقال دهد. در این میان، من هم سعی می‌کردم مکرر با او در ارتباط باشم تا در این مسیر دلسرد نشود. در دوران کرونا، روزها و ماه‌ها، من درگیر مطالعه‌ی روش‌های مناسب و متعدد بودم تا با استفاده از آن‌ها به گونه‌ای تدریس کنم که درس برای دانش‌آموزانم و اولیایشان آسان‌تر و فهم‌پذیرتر باشد. اعتقاد من بر این است که معلم برای موفقیت در تدریس به صورت مجازی باید برنامه‌ای محتوایی تنظیم و از تمام ابزارها و روش‌های متعدد در برنامه‌ی آموزشی خود استفاده کند.

چند راهکار تدریس در فضای مجازی

- استفاده از ابزارهای چندرسانه‌ای؛ • تماس تصویری؛ • استفاده از تورهای مجازی (گردشگری الکترونیکی)؛ • تهیه و ضبط فیلم آموزشی؛ • ایجاد چالش برای دانش‌آموزان؛ • بازی و مسابقه.

برگزاری کلاس‌های مجازی به تنهایی کافی نیست؛ به خصوص در مناطقی که اولیا سواد کافی ندارند. خلاقیت در تدریس، ایجاد جذابیت در کلاس و آسان کردن یادگیری برای دانش‌آموزان در آموزش مجازی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. نبود این عوامل آموزش را ناکارآمد نشان می‌دهد و دانش‌آموز نمی‌تواند با فضای مجازی ارتباط برقرار کند.

گزیده‌ای از سند برنامه‌ی درسی ملی

درسند تحول بنیادین، «تعلیم و تربیت» فرایندی است تعالی‌جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی که به‌منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه‌ی ابعاد، زمینه‌های مناسب تکوین و تعالی پیوسته‌ی هویت ایشان را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه‌ی صالح اسلامی فراهم می‌آورد.

